



Journal of Islamic Propagation

Volume 2 ● No 6 ● Autumn & Winter 2021

Iranian Society and the Challenge of Western Lifestyle in the Thought of Ayatollah Khamenei

Firouzeh Deldari*

Abstract

Today, changing the Islamic lifestyle by the West is considered as the most important challenge in Iranian society, and preventing the influence of the Western lifestyle and its impact on the lives of individual members of the Islamic society is a defense solution in the defense thought of Ayatollah Khamenei. The present study has tried to answer the problem by using library and software resources and the use of the exclusive database of Ayatollah Khamenei's statements through an analytical-descriptive method. In this study, first by introducing the Islamic lifestyle and then the Western lifestyle and the ways of Western influence in the Islamic lifestyle of the Iranian society, the ways to prevent the influence of the lifestyle have been examined. Ways such as removing the feeling of self-loss and gaining self-confidence against the western lifestyle and bringing local cultural wealth to the scene and taking advantage of them, reviving and strengthening the doctrine of enjoining the good and forbidding the wrong, activating the government to play the cultural role of offense and defense, controlling and directing public media, especially cyber space, as ways to prevent and fight against the influence of the western lifestyle.

Keywords

The phenomenon of cultural influence, the challenge of the influence of Western culture, Islamic lifestyle, Western lifestyle.

* Level Three of Islamic Seminary (M.A) in Qur'anic Interpretation and Sciences, Al-Zahra University, firuzeldari@gmail.com.



پژوهشنامه
تبلیغ اسلامی
دو فصلنامه علمی - تخصصی
سال دوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

جامعه ایرانی و چالش سبک زندگی غربی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای

فیروزه دلداری*

چکیده

امروزه تغییر سبک زندگی اسلامی توسط غرب، به‌عنوان مهم‌ترین چالش در جامعه ایرانی مورد توجه واقع شده است و بازدارندگی از نفوذ سبک زندگی غربی و تأثیر آن بر زندگی تک‌تک افراد جامعه اسلامی، راه حل دفاعی در اندیشه دفاعی آیت‌الله خامنه‌ای است. پژوهش حاضر، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری و استفاده پایگاه اختصاصی بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، به روش تحلیلی - توصیفی، سعی در پاسخ به مسئله نموده است. در این تحقیق، ابتدا با شناساندن سبک زندگی اسلامی و سپس سبک زندگی غربی و بیان راه‌های نفوذ غرب در سبک زندگی اسلامی جامعه ایرانی، راه‌های جلوگیری از نفوذ سبک زندگی مورد بررسی قرار گرفته است؛ راه‌هایی چون: زدودن احساس خودباختگی و رسیدن به خودباوری در مقابل سبک زندگی غربی و به‌صحنه‌آوردن ثروت‌های فرهنگی بومی و بهره‌گیری از آنها، احیا و تقویت آموزه امر به معروف و نهی از منکر، فعال‌سازی دولت به منظور ایفای نقش فرهنگی آفندی و پدافندی، مهار و هدایت رسانه‌های عمومی، به‌خصوص فضای مجازی، به‌عنوان راهکارهای بازدارندگی از نفوذ سبک زندگی غربی و مبارزه با آن.

کلیدواژگان: پدیده نفوذ فرهنگی، چالش نفوذ فرهنگ غرب، سبک زندگی اسلامی، سبک زندگی غربی.

مقدمه

امروزه مسئله نفوذ در کشورهای اسلامی، به خصوص جامعه ایرانی، یکی از دغدغه‌های مهمی است که به وسیله اندیشمندان اسلامی، به ویژه رهبر معظم انقلاب مطرح شده و از مهم‌ترین مباحث، نفوذ سبک زندگی غربی در سبک زندگی ایرانی و اسلامی است و بحث بازدارندگی نیز مهم‌ترین عمل دفاعی در مقابله با نفوذ سبک زندگی غربی است. مسئله سبک زندگی، از مطالعات نوظهور در مطالعات اجتماعی است. در باره سبک زندگی جامعه ایرانی، پس از انقلاب به دلیل تنوع از لحاظ فرهنگی و اجتماعی، به خصوص پس از جنگ تحمیلی، مردم تأثیرپذیری بیشتری از جریان‌های جهانی و تحولات بین‌المللی داشته‌اند و این امر، باعث ظهور جامعه مصرفی و شیوه‌های زندگی جدید شده است (باینگانی و همکارانش، ۱۳۹۲، ص ۵۲). اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر و ارائه راهکارهایی برای بازدارندگی از سبک زندگی غربی، صرفاً به جهت ضدیت این سبک زندگی با اصول و ارزش‌های سبک زندگی ایرانی نیست؛ بلکه باعث از دست دادن استقلال و هویت شخصیتی آنها نیز می‌شود. نوشته حاضر با شمردن عوامل نفوذ سبک زندگی غربی، راهکارهایی را در جهت جلوگیری از این عوامل نفوذ با محوریت نظریه فرهنگی آیت‌الله خامنه‌ای ارائه می‌دهد.

همان‌طور که اشاره شد، به دلیل نوظهور بودن مبحث دفاعی جلوگیری از نفوذ سبک زندگی غربی در جامعه ایرانی و اسلامی، هم از جهت نظری و هم تحقیقاتی، پیشینه چندان قوی نداشته و به ویژه سبک زندگی اسلامی و تقابلی با سبک زندگی غربی، منحصر در چند کتاب و مقاله می‌شود؛ از جمله، مقالات مرتبط با این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. «نمادهای سبک زندگی غربی در تقابل با سبک زندگی اسلامی» (ابوترایان، ۱۳۹۳، ش ۱)؛ ۲. «آسیب‌شناسی سبک زندگی امروزی و تأملی بر سیره زندگی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله» (علی‌اکبری، ۱۳۹۲)؛ ۳. «راه‌های مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن از منظر مقام معظم رهبری» (خلف‌زاده، خوزین، شریفی، ۱۴۰۰) که از نظر عنوان، به مقاله حاضر نزدیک‌تر بوده؛ با این تفاوت که مقاله حاضر، از زوایای اصلاح فردی و اجتماعی به سبک زندگی در جامعه می‌پردازد و جنبه نوآوری آن هم، ارائه ساختاری متفاوت نسبت به سایر مقالات است و با بیان ایجاد تحول در مسائل زیربنایی کشور، به اصلاح سبک زندگی اسلامی اختصاص دارد.

سؤال اصلی تحقیق، عبارت است از:

جامعه ایرانی و چالش سبک زندگی غربی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟

سؤالات فرعی تحقیق، عبارت‌اند از:

۱. مفهوم سبک زندگی اسلامی چیست؟

۲. مفهوم سبک زندگی غربی چیست؟

۳. مفهوم نفوذ چیست؟

۴. راهکارهای جلوگیری از سبک زندگی غربی کدام‌اند؟

مفاهیم

الف. مفهوم سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی اسلامی، از سه بار معنایی متفاوت تشکیل شده است. معنای زندگی روشن است؛ ولی در مورد واژه «سبک»، در لغت‌نامه‌های مختلف معانی گوناگونی ذکر شده است. در زبان فارسی، واژه «سبک» در روند مفهومی خود، ابتدا و به شکل غالب، در سبک‌شناسی ادبی و هنری به کار می‌رفت (دهخدا، ۱۳۳۹)؛ اما به تدریج در دیگر حوزه‌ها نیز کاربرد یافته است. این کلمه، به معنای طرز، شیوه، روش (فرهنگ فارسی معین، فرهنگ لغت عمید)، طرز خاصی از نظم یا نثر، گداختن چیزی را پس از ریختن (لغت‌نامه دهخدا) به کار رفته است. دو واژه «سبک زندگی»، با هم تنها به جلوه‌های عینی رفتار، مانند الگوی مصرف و چگونگی گذران اوقات فراغت محدود نبوده و باورها و نگرش‌های افراد و گروه‌های اجتماعی را هم شامل می‌شود که در سطوح رفتاری افراد اثر گذاشته و از راه ایجاد ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، در جهت‌گیری رفتاری افراد، چون سلیقه یا ترجیحات فردی و گروهی مؤثر می‌باشد. بر این اساس، یک مسلمان یا یک جامعه مطلوب اسلامی باید ارزش‌ها، سلیقه‌ها و ترجیحات رفتارهای عینیش را بر اساس باورهایش از مفهوم سبک زندگی با تکیه بر آموزه اسلامی به دست آورد (فاضل قانع، ۱۳۹۲، ص ۵۳).

ب. مفهوم سبک زندگی غربی

سبک زندگی غربی مفهومی همانند مورد فوق دارد؛ با این تفاوت که چون شکل‌گیری و رشد اجتماعی و پویایی نیاز به یک سبک زندگی را لازم و ضروری می‌نماید که مجموعه‌ای از سلیقه

و ارزش‌ها، هنجارها، طرز تلقی‌های جمعی و اشتراکی باشد. پس، این مجموعه در غرب بر پایه اومانیسیم و انسان‌محوری بنا نهاده شده است؛ یعنی انسان به‌عنوان عقل کل در جهان هستی مطرح بوده و فارغ از سایر محدودیت‌ها، از جمله: وحی و دین و... می‌باشد. محور قرار دادن عقل انسان، علاوه بر امور فردی، در سایر امور اجتماعی و سیاسی نیز مطرح بوده و سکولاریسم، یعنی داور قرار دادن عقل بدون داور قرار دادن وحی و آموزه‌های معرفتی دینی در تمام امور بشر (فاضلی، ۱۳۸۵، ص ۹۳).

در فرهنگ جدید، غرب بعد از رنسانس بر اساس اومانیسیم استوار بوده؛ هر چند در دوره قرون وسطی، بر مبنای ادعا، محوریت با دین و اصالت با خدا بود و این در حالی است که در فرهنگ جدید اروپا، خدا نادیده گرفته می‌شود و اصالت به همه خواسته‌های انسانی داده شده و امانیسیم غربی، محور و مرکز و اصل همه چیز قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که حتی خداوند نیز در خدمت انسان قرار می‌گیرد و اعتقاد و ایمان به خدا، صرفاً برای رفع نیاز معنوی او و آرامش روحی انسان مطرح است. فرهنگ جدید غرب، از مفاهیم غیب، شهود، اشراق، الهام، وحی و... فاصله گرفته و آنها را به فراموشی سپرده است و به این سبب، معرفت‌شناسی غرب، بر پایه «حس»، «تجربه»، «عقل نو بنیاد» و بریده از وحی استوار شده است (ذوالقدر، ۱۳۸۱، ص ۲۱-۲۲)؛ چون تمام فکر و ذکر این تمدن، در پایین‌ترین مراتب عالم وجود محدود است و از سیر در عوالم گسترده‌تر معنویت و غیب باز مانده‌اند و همه همت خود در راه زندگی مادی جامعه صرف نموده و از معنویت فاصله گرفته و در منظر افراد جامعه، جز مادیات نمود ندارد و با فاصله گرفتن از معنویات، دنیا بیشتر در نظرش زیبا جلوه می‌کند و در نتیجه، انسان تمام همت و وقت خود را در جهت ساختن رفاه دنیوی صرف می‌کند تا ابزاری برای خوب‌تر استفاده کردن از دنیا بسازد و معنای زندگی را در ساختن ابزارها و تکنیک‌ها می‌فهمد؛ نه چیز دیگر (طاهرزاده، ۱۳۸۸، ص ۱۰۲-۱۰۳).

ج. مفهوم نفوذ

نفوذ، اسم مصدر بوده و در لغت به معنای «اثر کردن»، «داخل شدن»، «فرورفتن در چیزی و تأثیر گذاشتن بر کسی» است (فرهنگ معین. دهخدا، عمید). مهم‌ترین خلأ دنیای غرب، خلأ فکر و اندیشه راهنما و به‌اصطلاح متداول، یک ایدئولوژی است که متکی به یک فکر صحیح و تلقی

درست از عالم وجود است. بنابراین، سعی در ساختن ایدئولوژی دروغی و تزریق آن هستند و علت عمده ترس از انقلاب هم، وجود یک تفکر صحیح متکی بر جهان‌بینی صحیح و یک تلقی مستدل و متین از آفرینش عالم است (قدوسی‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۷۰). به همین جهت، سعی در نفوذ و تغییر در ایدئولوژی اسلامی را دارند. نفوذ نوعی از دشمنی است که در محاسبات و شیوه تصمیم‌گیری و همچنین در باورها و آرمان‌های عمومی صورت می‌گیرد.

راه‌های نفوذ غرب را می‌توان در دو مورد برشمرد: ۱. نفوذ فردی یا موردی؛ ۲. نفوذ جریان‌ی. نفوذی فردی را می‌توان جاسوسی دانست که در لباس دوست در پست‌های حساس که کار تصمیم‌گیری در عرصه‌های مختلف کشور را به عهده دارند، وارد شده و با تغییر در جریان تصمیم‌گیری به نفع دشمن، ضربه مهلکی به ساختار نظام اسلامی وارد می‌کند و نفوذ جریان‌ی نیز، شبکه‌سازی در داخل ملت است که با تغییر باورها، تغییر نگاه‌ها، تغییر آرمان‌ها، تغییر سبک زندگی افرادی که مؤثر در جامعه می‌باشند، سبب کشانده شدن به سوی باورها، آرمان‌ها و سبک زندگی غربی می‌شوند؛ اما آنچه مهم است، در تغییر سبک زندگی، نفوذ جریان‌ی است که با تغییر در ذائقه افرادی که الگو و تأثیرگذار در جامعه هستند، سبک زندگی ایرانی و اسلامی را به سمت و سویی پیش می‌برند که در نهایت، شباهت به سبک زندگی غربی داشته باشد؛ چراکه دشمن فهمیده است دیگر با تحمیل جنگ و زور نمی‌تواند این نظام اسلامی را براندازد. بنابراین، از راه‌های مختلف نفوذ، همچون نفوذ در: مذهب، شخصیت‌ها، خویشاوندان، فرهنگ، سیاست و اقتصاد، سعی در پیاده کردن اهداف خود در جامعه و تغییر سبک زندگی اسلامی به نفع خود را دارند.

راهکارهای جلوگیری از نفوذ سبک زندگی غربی

جلوگیری از نفوذ سبک زندگی غربی، یکی از مسائل مهم دفاعی است که مورد توجه می‌باشد. چند مورد از این راهکارها، حایز اهمیت است:

الف. زدودن احساس خودباختگی در برابر سبک زندگی غربی

کسانی که در روش و سبک زندگی خود، به ظواهر زندگی غربی اکتفا می‌کنند و با غفلت از باطن آن که از ارزش‌های والای انسانی تهی است و نیز به جهت احساس حقارتی که در مقابل سبک زندگی غربی برخاسته از پیشرفت در علم و صنعت دارند، حاضرند در زندگی و آداب و

رسوم و ارزش‌ها از روش غربی تقلید نمایند و این خود باختگی، در لباس و پوشاک و مسکن و... بسنده نشده، بلکه در رفتار و گفتار و حتی در زیر پانهادن ارزش‌ها و اعتقادات نیز خود را نمایان می‌سازد. تأکید قرآن نیز بر لزوم آزاداندیشی و پرهیز از تقلید کورکورانه است: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَ لَا يَهْتَدُونَ» (بقره، آیه ۱۷۰)؛ و هنگامی که به آنان [که مشرک و کافرند] گویند: از آنچه خدا نازل کرده، پیروی کنید، می‌گویند: نه، بلکه از آیینی که پدرانمان را بر آن یافتم، پیروی می‌کنیم. آیا هر چند پدرانمان چیزی نمی‌فهمیدند و راه [حق را به سبب کوردلی] نمی‌یافتند [باز هم کورکورانه از آنان پیروی خواهند کرد؟].»

انقلاب اسلامی، جلوه‌ای از قدرت الهی و حکومت مستضعفان را نمایان ساخت؛ «وَ نُريدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص، آیه ۵)؛ ما می‌خواستیم به آنان که در آن سرزمین به ناتوانی و زبونی گرفته شده بودند، نعمت‌های با ارزشی دهیم و آنان را پیشوایان مردم و وارثان [اموال، ثروت‌ها و سرزمین‌های فرعونیان] گردانیدیم. خود باختگی، تقلید فرهنگی و دست کشیدن از هویت اسلامی را می‌توان از آسیب‌های بیداری اسلامی دانست که در قالب پذیرش ارزش‌ها و مظاهر غربی با رنگ و لعاب نواندیشی اسلامی صورت می‌گیرد (صوفی نیازی، ۱۳۹۱، ص ۷۰). این نواندیشی، با تزریق ارزش‌های کاذب همچون: زیورپرستی، طلاپرستی و دلخوش کردن به برخی از چیزهای کم‌ارزش در جامعه زنان صورت می‌گیرد (بیانات رهبری، ۱۳۶۶/۱۱/۱۷). خودباوری و فکرکردن به خود، به‌عنوان قوی‌ترین حس در تبلیغات سوء غربی، در افراد با اعتمادبه‌نفس پایین به عدم خودباوری و خودباختگی تبدیل می‌شود. دختران و پسران جوان، با لباس‌ها و آرایش‌های عجیب و غریب در جامعه مورد سوء استفاده‌های تبلیغات غربی بوده و در واقع، از حس اعتمادبه‌نفس جوانان سوء استفاده شده و کوشیده‌اند با تبلیغات فرهنگ ابتذال غرب در چشم جوان‌ها، در آنها اعتمادبه‌نفس کاذب ایجاد نمایند؛ در صورتی که ملت‌های مسلمان، با هم‌پیوستگی صمیمانه و توجه به خداوند بزرگ و اسلام عزیز، و زدودن وابستگی فکری از غرب و یافتن فرهنگ و اصالت خود، و همچنین شناختن فرهنگ مترقی اسلام که از وحی الهی نشئت گرفته است، ادبیات پایداری را ترسیم کرده که نشانه خودباوری است و با به دور ریختن افکار غربی در زمان سلطه، خود را باور کردند (امام خمینی، ۱۳۷۸ ش، ج ۱۰، ص ۳۹۵؛ عیسی‌نیا، ش ۳۰، ص ۱۳۵-۱۳۴). آماده کردن ذهن جوان‌ها و حتی

پیرها و روشنفکرانماها، با خودباوری انسانیت خود و عدم دست‌درازی به دیگران است. (همان، ج ۱۸، ص ۲۱۶)؛ در حالی که لازمه خودباوری، شناخت توانمندی‌های فردی، دینی و اجتماعی است. از رهگذر شناخت انسان به خود به‌عنوان خلیفه الهی و نیز به فعلیت رساندن استعداد‌های الهی که در وجود انسان بالقوه نهاده شده و الگو قرار دادن کلام وحی و ائمه معصومین علیهم‌السلام به‌عنوان چراغ راه، انسان به جایگاه شایسته خود در آفرینش نایل خواهند شد.

راهکارهای تقویت خودباوری را در بیانات رهبری که سبب شکست عامل نفوذ فرهنگی دشمن است، می‌توان در موارد زیر برشمرد:

۱. خدامحوری، تقوا و اطاعت از خدا؛ ۲. عزت‌خواهی از خدوند؛ ۳. پایبندی به قرآن کریم و دین مقدس اسلام؛ ۴. بی‌نیازی از غیرخدا؛ ۵. تقویت همت و اراده؛ ۶. جهاد با نفس و دشمن خارجی؛ ۷. اتحاد و اتفاق؛ ۸. اعتماد به مردم؛ ۹. صبر و استقامت؛ ۱۰. شجاعت؛ ۱۱. قیام به حق و گرفتن حق؛ ۱۲. قناعت؛ ۱۳. مقاومت و ایستادگی؛ ۱۴. تلاش در راه تحصیل علم و تولید علم؛ ۱۵. تلاش در راه استقلال سیاسی و اقتصادی (حسین‌خانی، ۱۳۹۲ش، ص ۶۰-۸۰).

ب. به‌صحنه آوردن ثروت‌های فرهنگی بومی و بهره‌گیری از آنها

شناسنامه هرملتی، فرهنگ آن ملت بوده و تلاش‌ها و خلاقیت‌ها و افتخارات یک ملت، به‌عنوان سند و هویت فرهنگ آن جامعه است. از جمله میراث فرهنگی یک ملت با اقوام مختلف، آثار معماری، شیوه‌های زندگی، هنرهای ملی و بومی، سنت‌ها و آداب و رسوم، اسطوره‌ها و دانشمندان، طرز پوشش، عرف ملی و سرمایه‌های ملی می‌باشد. به دلیل حساس بودن ایران از نظر منطقه‌ای که سرشار از منابع غنی و ثروت فرهنگی و موقعیت راهبردی است، تمایل غرب، به دست گرفتن سلطه ایران و رسیدن به منافع نامشروع است. به همین جهت، تمام امکانات خود را به‌کار گرفته است؛ در صورتی که ملت ایران با بصیرت کامل، اسلام را فهمیده و دشمن را دفع می‌کنند (بیانات رهبری، ۱۳۷۷/۹/۲). امروز اراده الهی هم بر حاکمیت مستضعفان تعلق گرفته (قصص، آیه ۵)، تمدن واقعی ایرانی از استعداد‌های ایرانی جوشیده و با شرایط زندگی ایرانی در هم آمیخته شده است. راه حل واقعی، استفاده از اندوخته و ثروت فرهنگی خود و به‌کار بستن اراده و عزم خویش و به دور از تقلید و عاریه گرفتن الگوهای بیگانه است (بیانات رهبری، ۱۳۸۰/۲/۱۲).

وظیفه اصلی ما، استحکام پایه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی است و شرط اصلی

استحکام پایه‌های فرهنگی، استحکام روزبه‌روز ایمان مردم به دین و موارث فرهنگی، بالیدن مردم به میراث و ثروت فرهنگی خود و عدم احساس حقارت است. عمده ثروت فرهنگی، ایمان به خدا و اسلام و توکل به خدا و مفاهیم اسلامی است و بخش دیگر، مربوط به مسائل فرهنگی است که باید جهت‌گیری قوانین با آن همسو باشد (بیانات رهبری، ۱۳۸۱/۳/۷).

امروزه بحمدالله، توسعه دانشگاه‌ها و وجود دانشجو، پیشرفت‌هایی که در عرصه‌های علم و فناوری، پتروشیمی، نفت و فولاد و صنایع دفاعی و چرخه‌ساخت هسته‌ای صورت گرفته، به برکت نظام اسلامی صورت گرفته است (بیانات رهبری، ۱۳۸۲/۵/۵). ثروت‌های ملی و بومی، سرمایه‌های یک ملت به شمار می‌آیند؛ اما آنچه در استفاده بهینه از این نعمت‌های خدادادی مؤثر است، فرهنگ استفاده از آنهاست که همه رفتارهای فردی و جمعی، تحت تأثیر دو مجموعه عوامل است؛ یک مجموعه، استعدادها و توانایی‌ها و ظرفیت‌های وجودی خود یا فضایی است که از آن استفاده می‌شود و عامل دیگر، نیروی مؤثر و جهت‌دهنده ذهنی است. مراد از فرهنگ، همان ذهنیت‌هاست؛ یعنی آن ذهنیت‌های حاکم بر وجود انسان که هدایت رفتارهای او و جهت‌دهی آن را به عهده دارد. باورهای ذهنی که از اعتقاد به خدا، قیامت، شهادت و اعتقاد به دستور امام و لزوم اطاعت از امام و اعتقاد به متجاوز بودن دشمن و اعتقاد به دفاع از خود دارد (بیانات رهبری، ۱۳۷۸/۹/۲۳). شناسایی ثروت‌های یک کشور و عزم و تلاش ملت و استفاده از استعدادهای نیروی جوان کشور و بهره‌گیری هوشمندانه از آنها و حرکت در راه خدا، باعث نجات یک ملت از وابستگی به بیگانگان خواهد بود؛ اما با غلبه بر عامل نفوذ اقتصادی با به صحنه آوردن ثروت‌های بالقوه، می‌توان بر نفوذ و سلطه دشمنان چیره گشت.

ج. احیا و تقویت آموزه امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، از والاترین و شریف‌ترین واجبات است که به وسیله آنها واجبات برپا می‌شود؛ «وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران، آیه ۱۰۴)؛ و باید از شما گروهی باشند که [همه مردم را] به سوی خیر (معروف) دعوت نمایند و به کار شایسته و پسندیده وا دارند و از ناپسند و زشت (منکر) باز دارند و اینان‌اند که یقیناً رستگاران‌اند.»

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مادامی که امت من امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و بر نیکی

کمک می‌نمایند، در خیر می‌باشند. پس، وقتی چنین نکردند، برکت‌ها از آنان سلب می‌شود و بعضی از آنها بر بعضی دیگر مسلط می‌شوند و برای آنها یآوری نیست؛ نه در زمین و نه در آسمان» (قضاعی، ۱۳۶۱ ش، ص ۱۹۱). امر به معروف و نهی از منکر که تضمین‌کننده حیات طیبه است، دو مرحله دارد: گفتن و عمل. مرحله عمل، یعنی اقدام با دست و پا زور. این مرحله، امروز به عهده حکومت است و باید با اجازه حکومت انجام گیرد؛ اما گفتن زبانی، بر همه واجب است و همه باید آن را بدون ملاحظه انجام دهند (بیانات رهبری، ۱۳۶۸/۱۰/۱۹). دشمن با اشاعه فرهنگ غلط و فرهنگ فحشا و فساد در جامعه، سعی دارد جوان‌ها را از طریق تهاجم و شیخون فرهنگی که در واقع، غارت فرهنگی و قتل عام فرهنگی است، گمراه نماید. جوانی که در مقابل این تهاجم بایستد و دل به دنیا و منافع شخصی نبندد، می‌تواند از فضیلت‌ها دفاع کند؛ در صورتی که شخص آلوده و گرفتار، توان دفاع از فضیلت‌ها را ندارد. امر به معروف و نهی از منکر، از واجبات امروز جامعه است (بیانات رهبری، ۱۳۷۱/۴/۲۲). امیر مؤمنان، علی علیه السلام می‌فرماید: «وما اعمال البر کُلُّها وَ الجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَثَةٌ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۷، ص ۸۹)؛ همه کارهای نیک و جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر، همچون فوتی است به دریای پُر موج و پهناور.» امر به معروف و نهی از منکر لسانی در جامعه، باعث اصلاح می‌شود و حمایت آمران به معروف و ناهیان از منکر، به وسیله مسؤلان، ضروری است و چون امر به معروف و نهی از منکر، مانند ضروری دین (نماز) واجب است، مسائش هم باید یاد گرفته شود (همان). قوام حکومت اسلامی و حکومت اخیار، به احیای امر به معروف و نهی از منکر در بین همه افراد جامعه و حضور آنها در متن مسائل کشور و نیز شناخت از معروف و منکر است و این، نشانه معرفت عمومی جامعه است (بیانات رهبری، ۵/۷/۱۳۷۱).

در روایت آمده است: «وَيْلٌ لِمَنْ لَا يَدِينُ اللَّهَ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۶، ص ۴۰۲)؛ وای بر کسی که به وسیله امر به معروف و نهی از منکر، به خداوند نزدیک نمی‌شود.» از فواید مهم امر به معروف و نهی از منکر، این است که نیکی و بدی همچنان نیکی و بدی بماند. با انتشار گناه در جامعه، کار شخصی که در رأس حکومت قرار دارد و سوق دادن مردم به خیر و نیکی، با مشکل مواجه خواهد شد؛ یعنی یا نخواهد توانست و یا اصلاح جامعه نیاز به هزینه‌های فراوان است (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۹/۲۵). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لتأمرنَّ

بالمعروف و لَتَتْهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ اَوْ لِيُسَلِّطَنَّ اللهُ عَلَيْكُمُ شُرَاكِمَ فَيَدْعُوْا خِيَارِكُمْ فَلَا يَسْتَجَابُ لَهُمْ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷، ص ۹۳)؛ به نیکی وادارید و از بدی باز دارید؛ وگرنه خداوند بدانتان را بر شما مسلط دارد و نیکانتان دعا کنند و استجابتشان نکنند.» بنابراین، ترک امر به معروف و نهی از منکر، نه تنها باعث افزایش فساد در جامعه می‌شود، بلکه با کاهش دفاع از ارزش‌ها، باعث تسلط اشرار بر مردم می‌شود. پس، در اینجا نقش کارگزاران و مردم در احیای امر به معروف و نهی از منکر نمایان می‌شود و سبب غلبه بر عامل نفوذ مذهبی و فرهنگی دشمن که بر جامعه تحمیل کرده‌اند، خواهد شد.

د. اصلاح رفتار کارگزاران به عنوان نقطه آغاز تغییر سبک زندگی

مسئولان و کارگزاران حکومت که در رأس کارهای اجرایی کشور قرار دارند، به عنوان الگوهای عملی جامعه محسوب می‌شوند و با کار و تلاش دلسوزانه خود که با اخلاص و ایمان و توکل به خدا صورت می‌گیرد، مطمئناً موجب دلگرمی ملت شده و در عرصه جامعه، محیطی برای کار و تلاش جوانان و ملت ایجاد خواهد شد که امیدوارانه برای به بار نشستن نتیجه تلاش‌هایشان به پیشرفت فکر خواهند کرد. دشمن، به جزئیات وقایع کشور حساس است و به شروع اختلافات سیاسی بین مسئولان کشور و آن چیزی که آنها جنگ قدرت می‌نامند، امید بسته‌اند و دل‌خوش هستند که اختلافات سیاسی شدید شود و مسئولان نتوانند اوضاع کشور را جمع و جور کنند و مردم در صحنه حاضر نشوند. رشد ایمانی و انقلابی و سیاسی مردم و مسئولان، موجب ناامیدی و حیرت دشمنان می‌شود (بیانات رهبری، ۱۳۸۶/۳/۲۴).

سبک زندگی غربی که تحفه زمان طاغوت است، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در بین طبقه مرفه جامعه رواج داشته است و با ثروت‌اندوزی برخی از مسئولان و تبدیل شدن آنها به طبقه مرفه جامعه، در زندگی آنها نیز رخنه کرده است و روزه‌ای برای ورود تفکر غربی در زندگی آنهاست. در دوران بازسازی کشور که ثروت‌ها انباشته شده و کارها تراکم یافته و فعالیت‌های اقتصادی و دورانی، افزایش پیدا کرده، راه برای تلاشگران باز است در این دوران، آدم‌های اهل دنیا و ترجیح‌دهندگان منافع شخصی بر منافع کشور و ملت و مصالح انقلاب، دستشان باز است. دوران بازسازی کشور، دوران شکوفایی و پیشرفت ملت و دوران ساختن کشور است؛ اما در همین حال، این دوران، دوران خطر گرایش آدم‌های ضعیف به سوی اشرافیگری و تجمل و

انباشت ثروت و سوء استفاده اقتصادی است (بیانات رهبری، ۱۳۷۶/۱/۱). به دلیل ارزشمندی حس اعتماد مردم به مسئولان، دشمن سعی در از بین بردن این حس اعتماد دارد؛ در حالی که این حس اعتماد، در طول دوران بعد از انقلاب و حتی پیش از پیروزی آن، برای ملت و انقلاب ما کارساز بود. این روح اعتماد، باعث حرکت مردم و دفع تجاوز دشمن و نجات مملکت بود (بیانات رهبری، ۱۳۶۸/۷/۲). این اعتمادسازی، با مقابله باشایعه‌ها و اطلاع‌رسانی صحیح و به‌موقع امکان‌پذیر است؛ «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدْعَاؤُهُ بِهٖ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَ الَّذِينَ يُسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا» (نساء، آیه ۸۳)؛ و هنگامی که خبری از ایمنی و ترس [چون پیروزی و شکست] به آنان [که مردمی سست ایمان‌اند] رسد، [بدون بررسی درستی و نادرستی اش] آن را منتشر می‌کنند و [در صورتی که] اگر آن خبر را به پیامبر و اولیای امورشان [که به سبب بینش و بصیرت دارای قدرت تشخیص و اهل تحقیق‌اند،] ارجاع می‌دادند، درستی و نادرستی اش را درمی‌یافتند؛ [چنانچه به مصلحت جامعه بود، انتشارش را اجازه می‌دادند و اگر نبود، از انتشارش منع می‌کردند] و اگر فضل و رحمت خدا بر شما بود، یقیناً همه شما جز اندکی، از شیطان پیروی می‌کردید.»

برای اعتمادسازی، اثرگذاری در عمل نسبت به زبان، بسیار مؤثرتر است و با عمل مسئولان، اعتماد ارزشمند در دل‌های مردم حفظ شده و از پشتوانه مردمی در برابر متجاوزان برخوردار شوند (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۴/۱۵). وقتی حس اعتماد مردم به مسئولان کشور تقویت شد، ملت نیز کم‌کم اعمال خودشان را در آینه عمل مسئولان دیده و در پیشرفت کشور تلاش مضاعفی خواهند کرد در نتیجه، باعث ناکام ماندن نفوذ دشمن خواهد شد.

ه. فعال‌سازی دولت به منظور ایفای نقش فرهنگی آفندی و پدآفندی

آفند، حمله حالت و وضعیت نیرو با هدف پیشروی و حمله به دشمن، نابودی نیرو، تصرف زمین، کشف توان دشمن و موارد همسان آن است؛ به عبارت دیگر، آفند عملیاتی نظامی در میدان نبرد است که در فرایند آن، نیروهای درگیر در جنگ برای تصرف قلمرو و نیروهای دشمن، دستیابی به غنیمت‌های جنگی یا رسیدن به جایگاه راهبردی بهتر می‌کوشند. آفند ممکن است بر روی زمین، دریا یا هوا به انجام برسد.

پدافند یا پادآفند (پاد، به معنای خلاف)، در مفهوم کلی، مجموعه اقداماتی است که به منظور

دفع، خنثاسازی و کاهش تأثیر اقدامات آفندی دشمن و جلوگیری از دستیابی دشمن به اهداف خودی انجام می‌گیرد. با توجه به ملزم بودن دولت به هدایت فرهنگی جامعه و علاوه بر دولت، سایر قوا نیز مسئول در همکاری با دولت در زمینه فرهنگی می‌باشند، هدف‌گذاری در فرهنگ جامعه بسیار مهم بوده و دولت هدایت اخلاقی و فرهنگی جامعه را بر عهده دارد؛ زیرا ابزارهای این هدف، در دست دولت است. از جمله ابزارهای فرهنگی وابسته به دولت، صدا و سیما، وزارت ارشاد، وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم می‌باشد که خدمات آموزشی و هدایتی ارائه می‌دهند؛ مثلاً وزارت ارشاد با کتاب، هنرهای تجسمی، تصویری و صوتی فعالیت می‌کند که در تمام این موارد، باید جهت‌گیری‌ها به سوی دین و خدا باشد و نباید به فکر ملامت‌های دشمن بود. باید توجه داشت که موضع در فرهنگ، از جمله حجاب، موضع تهاجمی است و موضع دفاعی نیست (بیانات رهبری، ۱۳۸۸/۶/۱۸). آنچه مهم است، این است که در یک جامعه رو به رشد و دارای آرمان‌های والای علمی و اجتماعی و دنیایی، اگر یک جریان متفرد فرهنگی وجود داشته باشد که تلاش‌ها و حرکت این جامعه را هدایت کند، این جامعه به خیر و صلاح و فلاح خواهد رسید و با عدم وجود چنین جریان فرهنگی دینی الهی و معنوی در جامعه در حال رشد و توسعه علمی، نتیجه همان چیزی می‌شود که امروز در جوامع پیشرفته غربی مشاهده می‌شود (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۳/۲۱).

فعال‌سازی دولت برای ایفای نقش فرهنگی آفندی و پدافندی، با شکست توطئه نفوذ سیاسی و فرهنگی دشمن در جامعه نقش اساسی دارد؛ ولی اجرایی کردن این نقش، نیاز به یک عزم و اراده راسخ از طرف مسئولان و دست‌اندرکاران فرهنگی کشور دارد. پشتیبانی مردم، خیلی باارزش است. با پیوند میان مسئولان و مردم، تلاش‌ها به نتیجه خواهد رسید.

و. مهار و هدایت رسانه‌های عمومی، به خصوص فضای مجازی

بسیاری از صاحب‌نظران، از دوران معاصر به‌عنوان «عصر رسانه» یاد کرده و معتقدند هر گروه، سازمان و در بُعد کلان، دولت که در استفاده از این ابزار توفیق داشته باشد، سلطه و نفوذ بیشتری خواهد داشت و می‌تواند پیروز میدان جنگ رسانه‌ای در شبکه‌های اطلاع‌رسانی جهانی باشد. برخی رسانه‌های غربی، به مدد بهره‌مندی از ظرفیت‌های فناوری و تربیت نیروی ماهر و نیز اعمال رویکرد خبری یک‌سویه، در حال حاضر دست بالا را در این جنگ رسانه‌ای در جهان دارند و به جای تأمین نیاز خبری مخاطبان، آنچه را مطلوب خود و مراکز قدرت است،

به خورد آنها می‌دهند. فضای مجازی اکنون «ولنگارانه» و «بی‌مهیار»، بی‌هیچ نظارتی مورد دسترسی همگان می‌باشد و گسترده‌ترین و فراگیرترین نقطه تماس با غرب است و از همین منفذ، تحولات اجتماعی عینی و بیرونی رقم زده می‌شود و این در حالی است که نیروهای غیرانقلابی و غرب‌گرایانه، نه تنها اهتمامی به ایجاد شبکه ملی اطلاعات و حمایت از شبکه‌های ملی و بومی ندارند، بلکه منافذ دسترسی غرب را به لایه‌های درونی جامعه و ذخایر فرهنگی جامعه که حاصل کوشش‌های نیروهای انقلابی است، محدود نمی‌کنند. اگر یک دستگاه استعماری در دنیا رسانه‌ای را اداره می‌کند، بی‌گمان تمام آنچه از این رسانه صادر می‌شود، در خدمت آن هدف استعماری است (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۱۲/۷).

خطر تسلط رسانه‌های غربی بر رسانه‌های جهان، ضرورت مقابله با رسانه‌ها را بیش از پیش ضروری می‌سازد و اجرای ایده تشکیل راه‌اندازی یک رسانه قدرتمند، گامی در جهت مهارکردن رسانه‌های غربی است؛ اما اکنون کشورهای بزرگ و قدرتمند سعی دارند که سلطه خود را از طریق ابزارهای فرهنگی و از جمله رسانه‌ها دنبال کرده و با ایجاد امپریالیسم رسانه‌ای که صحنه‌گردانان آن رسانه‌ها، خبرگزاری‌ها و ایستگاه‌های بین‌المللی غربی هستند، گفتمان حاکم را در راستای سیاست‌های خود تبیین کرده و تصویر یک‌سویه از جهان با ویژگی‌های فرهنگی، ایدئولوژیکی و اقتصادی خود، ارائه دهند. بنابراین، رسانه می‌تواند در نهضت تولید علم و فکر و نظریه و اندیشه در زمینه‌های مختلف فنی و انسانی نقش ایفا کند (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۹/۱۱). سرمایه اصلی هر رسانه، اعتماد عمومی است که از طریق اعتنا به ارزش‌ها و اعتقادات اکثریت جامعه، یعنی اقشار متدین وفادار به انقلاب و حفظ کرامت و شرافت نظام و صداقت در بیان به دست می‌آید (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۷/۲).

وظیفه یک رسانه، آموزش و تحلیل و سوق دادن قلب و ذهن و مغز افراد، به سوی نظر گرداندگان آن رسانه است. صدا و سیما در جمهوری اسلامی، باید وسیله‌ای برای سوق دادن مردم به فرهنگ اسلامی و ابزاری برای معرفت و آشنایی مردم با درخشندگی اسلامی و انسانی باشد (بیانات رهبری، ۱۳۶۸/۹/۱۵). پس، با هدایت رسانه‌ها به اهداف انقلاب اسلامی برای دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌های امت انقلابی و بالابردن سطح آگاهی و معرفت آنها و مسدودکردن مسیرهای نفوذ فرهنگی دشمن، می‌توان جلوی خسران فرهنگی را گرفت.

نتیجه

مسئله بازدارندگی، از جمله عواملی است که در زمانه تهدیدات و توان ملی به امنیت ملی بدون جنگ منجر می‌شود. تعبیری که رهبر معظم انقلاب از سبک زندگی دارند، بیانگر «مقابله با ترویج سبک زندگی غربی» است که دلالت بر واکنش دفاعی است. هر سیاستی که هویت ملی را تخریب نماید، منافع ملی را تحقق نمی‌بخشد و منافع ملی جدا از هویت ملی نیست. امروز که بیش از چهل سال از تولد جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد، انتظار تحول بیش از پیش در عرصه‌های مختلف، حایز اهمیت است و با توجه به بیانات رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم، تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت وارد کرده است. بنابراین، مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه در تمام عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را می‌طلبد.

در این پژوهش، به بیان چند گام در رفع تهدید سبک زندگی غربی پرداخته شده است. اولین گام در رفع تهدید، خودباوری و تفکر در مورد داشته‌هاست و به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای، از جمله روش‌های هجوم استعمار، هجوم بر فرهنگ، ارزش‌ها و ایمان و باورهای ملت است که سبب خودباختگی در برابر سبک زندگی غربی می‌شود. مهم‌ترین گام در رفع آن، زدودن احساس خودباختگی و رشد همه‌جانبه علمی و خودباوری ملی است. در مرحله بعد، برای کاهش تهدیدها، امر به معروف در سطح اجتماع و کاهش فسق و فجور و محرمات اجتماعی و اصلاح کارگزاران به‌عنوان قطبی از تغییر سبک زندگی که الگوی عملی برای ملت به‌شمار می‌رود، امری ضروری به نظر می‌رسد. فعال‌سازی دولت برای تلاش همه‌جانبه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اعتمادسازی بین مردم و مسئولان و نقش دولت به‌عنوان نقش آفندی و پدافندی، سبب خنثاسازی و اقدامات آفندی دشمن و جلوگیری از رسیدن به اهداف دشمن خواهد شد. مهار رسانه‌ها غربی، از جمله گام‌های هدفمند در عرصه بازدارندگی است. پژوهش در عرصه‌های بازدارندگی، به بیان جزئیات روزه‌های نفوذ در تمام عرصه‌ها نیاز دارد که پرداختن به آن، محتاج فرصت و مقاله‌ای دیگر است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
۲. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، ترجمه: جنتی، تهران، مؤسسه امیرکبیر.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامیه.
۴. باینگانی، بهمن، فهیم ایران دوست و سینا احمدی، ۱۳۹۲، «سبک زندگی از منظر جامعه‌شناسی؛ مقدمه‌ای بر شناخت و واکاوی مفهوم سبک زندگی»، مهندسی فرهنگی، شماره ۷۷.
۵. بستانی، فواد افرام، ۱۳۷۵، المنجد، تهران، ناشر اسلامی.
۶. حسین خانی، نورالله، ۱۳۹۲ش، سرمایه‌های فکری، معنوی و انسانی در اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای، تهران، انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
۷. خمینی، روح الله، ۱۳۷۶، تحریر الوسیله، تهران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. _____، ۱۳۷۸، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۹. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۲، لغت‌نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. ذوالقدر، محمدباقر، ۱۳۸۱، قصه غربت غربی گفتاری در مبانی فرهنگ و تمدن غرب، تهران، نشر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ.
۱۱. طاهرزاده، اصغر، ۱۳۸۸، علل زلزله تمدن غرب، اصفهان، نشر لب المیزان.
۱۲. طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، مجمع البحرين، چاپ سوم، تهران، ناشر کتاب‌فروشی مرتضوی.
۱۳. عمید، حسن، ۱۳۹۰، لغت‌نامه عمید، ناشر امیرکبیر.
۱۴. عیسی‌نیا، رضا، «امام و ادبیات پایداری»، مجله متین، ش ۳۰: ۱۳۴-۱۳۵.
۱۵. فاضل قانع، حمید، ۱۳۹۲، سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی (بارویکرد رسانه‌ای)، قم، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی.
۱۶. فاضلی، نعمت‌الله، ۱۳۸۵ش، «دیجیتالی شدن و سبک زندگی ایرانی و ایرانی شدن به سبک دیجیتالی»، فصلنامه رسانه، سال ۱۰، شماره ۳.
۱۷. قضاعی، محمدبن‌سلامه، ۱۳۶۱ش، شرح فارسی شهاب‌الاخیار (کلمات قصار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم)، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۸. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
۱۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۵۸، نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر، قم، انتشارات صدرا.
۲۰. معین، محمد، ۱۳۸۶، فرهنگ معین، ناشر زرین.
۲۱. وبگاه آیت‌الله خامنه‌ای: farsi.khamenei.ir